

مطالعه تطبیقی نقش اجتماعی زنان در عصر جاهلی و دوره نبوی

سمیه سیار قلعه رودخانی^۱، فاروق طولی^۲، مهدی نورمحمدی^۳

چکیده

یکی از مسائل مهم مطرح درباره اسلام، دیدگاه آن نسبت به بانوان است. مسئله‌ای که در مقایسه با جامعه قبل از اسلام در آن سرزمین می‌توان مشابهت‌ها و تمایزات آن را مشخص کرد. قبل از اسلام، زنان نقش اجتماعی محدود و اغلب کارکردی ابزاری در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی داشتند. با ظهور اسلام، این دیدگاه به زنان تغییر یافت و حوزه‌های تازه‌ای برای مشارکت آنان گشوده شد. مسئله اصلی پژوهش، بررسی تطبیقی نقش اجتماعی زنان در جزیره‌العرب پیش و پس از ظهور اسلام است. پرسش محوری آن است که اسلام تا چه میزان و چگونه الگوی مشارکت اجتماعی زنان را نسبت به عصر جاهلیت دگرگون ساخت؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، شامل آثار تاریخی، روایی و تفسیری است. مدعای تحقیق آن است که اسلام، سه رویکرد تأیید، تغییر و تأسیس را در مواجهه با نقش اجتماعی زنان برای ارتقای جایگاه ایشان در پیش گرفت. برای نمونه، در عصر جاهلی، نقش زنان در بیعت و جنگ، محدود و بیشتر جنبه نمادین یا تحریک‌آمیز داشت، اما در عصر نبوی، این نقش‌ها سازمان‌یافته‌تر و حمایتی شد. همچنین تجارت زنان از مشارکت غیرمستقیم، به فعالیت‌های مستقل گسترش یافت و مشارکت عبادی-اجتماعی آنان مانند حج و نماز جماعت از خرافات زدوده شد و رسمیت یافت. این یافته‌ها بازتابی از تغییر نگرش دینی-آیینی نسبت به جایگاه زن در اسلام است.

واژگان کلیدی: عصر جاهلیت، دوره نبوی، نقش اجتماعی زنان، بیعت، فعالیت‌های اقتصادی بانوان.

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه مازندران و دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛
seyedena@chmail.ir

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران؛ Touli.farough@hums.ac.ir

۳. دکتری تاریخ تشیع پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران؛ m.noormohammadi1351@gmail.com

مقدمه

نقش و جایگاه اجتماعی زنان همواره یکی از مباحث مهم و مناقشه‌برانگیز تاریخ اجتماعی جوامع انسانی بوده است. جامعه قبیله‌محور، مردسالار و جاهلی عرب پیش از اسلام، فرصت‌های اجتماعی زنان را محدود ساخته و بیشتر، آن را به کارکردهای ابزاری در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی فرومی‌کاست. تنها استثنائاتی مانند خدیجه رضی الله عنها دختر خُوَیلِد و هند دختر عُتْبَه از برخی محدودیت‌ها جسته بودند. این محدودیت‌ها در عرصه‌هایی چون بیعت، حضور در جنگ‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مشهود بود. با ظهور اسلام، تحولی بنیادین در نگرش دینی و اجتماعی نسبت به زنان روی داد. پیامبر صلی الله علیه و آله با پذیرش و تقویت برخی نقش‌ها، پالایش از خرافات و ایجاد فرصت‌های تازه، زمینه مشارکت فعال‌تر زنان را در حیات اجتماعی جامعه اسلامی فراهم ساخت.

باتوجه به اینکه برخی بر این باورند که برخلاف آنچه مشهور است، زن در دوران جاهلیت از جایگاه اجتماعی بلندی برخوردار بوده (رضوانی‌کیا و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۵۴)، هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تطبیقی نقش اجتماعی زنان در جزیره‌العرب پیش از اسلام و دوره نبوی است تا ابعاد تحول و تداوم در این حوزه روشن شود. اهمیت تحقیق از آن روست که شناخت این تغییرات نه تنها به فهم تاریخی جامعه صدر اسلام یاری می‌رساند، بلکه می‌تواند در تحلیل جایگاه زن در گفتمان‌های دینی-اجتماعی امروز، از جمله فقه اجتماعی زنان یا مطالعات جنسیت در جهان اسلام نقش‌آفرین باشد. ضرورت این پژوهش در پر کردن خلأ مطالعات تطبیقی و منسجم در این موضوع و نیاز جامعه امروز به این نگاه، نهفته است.

تحقیقاتی که می‌توان از آنها به عنوان پیشینه نام برد، به دو دسته توصیفی و تحلیلی تقسیم می‌شوند. در هر گروه، برخی به مسئله تحقیق نزدیکند، ولی فاقد نگاه تطبیقی میان عصر جاهلی و نبوی، و برخی دیگر از مسئله تحقیق به دور هستند. برای نمونه، مقاله «زن در سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه» به قلم زهرا حجازی دوست (مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳)، توصیفی و فاقد نگاه تطبیقی میان دو دوره جاهلی و نبوی است. پایان‌نامه «بررسی و تحلیل جایگاه و نقش زنان در گسترش دعوت نبوی در عصر مکی»

نوشته سعید محمدی، اثری تحلیلی ولی به دور از مسئله تحقیق است. پایان نامه «مشارکت اجتماعی زنان در سیره معصومان علیهم‌السلام» اثر ندا نیک‌آیین و پایان نامه «بررسی وضعیت اجتماعی زنان در قرن اول و دوم هجری (۴۰-۲۱۸ق)»، به قلم محبوبه ذوقی سوران نیز توصیفی و به دور از مسئله تحقیق هستند. از جمله آثار به زبان انگلیسی می‌توان به کتاب لیلا احمد با عنوان *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate* (زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه‌های تاریخی یک بحث مدرن) اشاره کرد که یک مرور تاریخی کامل بر نقش زنان عربستان پیش از اسلام تا اوایل اسلام تا بحث‌های مدرن را ارائه می‌دهد. این کتاب، یک منبع عالی برای درک پویایی‌های دوران جاهلیت و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، ولی به صورت ویژه بر جایگاه اجتماعی و تطبیق آن تمرکز نکرده است.

در این تحقیق، نقش اجتماعی زنان در سه حوزه اصلی سیاسی، نظامی و اقتصادی بررسی و در کنار آن، مشارکت آنان در آیین‌های دینی و اجتماعی تحلیل می‌شود.

۱. نقش سیاسی زنان در قالب بیعت

نقش سیاسی زنان جزیره العرب پیش و پس از اسلام، در قالب بیعت بروز کرده است. بیعت از ماده بیع «ب - ی - ع» به معنای پیمان و پذیرش ریاست و حکومت کسی یا اعلام وفاداری و فرمانبرداری است (ابن منظور، بی‌تا، ص ۲۶). در جامعه جاهلی، «بیعت» روشن‌ترین و آشکارترین نماد حرکت اجتماعی و نشانه حضور فعال و واقعی در متن جامعه بود. بیعت، پیمانی اجتماعی با رهبر جامعه و محکم‌کننده جایگاه او در جامعه قبیله‌ای به شمار می‌رفت. در تاریخ اعراب پیش از اسلام، از پیمان‌هایی یاد شده است که زنان نیز در آن مشارکت داشته‌اند.

۱-۱. نقش زنان در بیعت‌های عصر جاهلی

به نظر می‌رسد در بیعت‌های دوران پیش از اسلام نیز زنان حضور داشتند. برای نمونه، هنگامی که قصی بن کلاب از دنیا رفت، رهبری قبیله قریش را فرزندش، عبد مناف، بر عهده گرفت. او در اداره امور جامعه با مشکلاتی روبه‌رو شد تا اینکه قبایل خزاعه و بنو حارث بن عبد

مناف با گروهی دیگر به دیدارش آمدند و بین آنان «حلف الاحابیش» منعقد شد. از جمله افرادی که در این پیمان مشارکت داشتند، عاتکه دختر مره بن هلال، همسر عبد مناف بود (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۱). ذکر ویژه نام زنان بیعت کننده، نشانه نادر و خاص بودن مشارکت ایشان در بیعت هاست.

۲-۱. نقش زنان در بیعت های دوران نبوی

در دوران اسلامی نیز حق مشارکت اجتماعی زنان در قالب بیعت در جامعه اسلامی به شکلی عام تر ظهور یافت. اولین پیمانی که در دوران اسلامی، زنان در آن حضور داشتند، پیمان عقبه دوم بود؛ چنان که مورخان بیان کرده اند در پیمان مذکور که بین برخی اهالی مدینه و پیامبر ﷺ واقع گردید، زنان نیز حضور داشتند. منابع، مردم مدینه را هفتاد مرد و دو زن دانسته اند که با حضرت محمد ﷺ بیعت کردند (همان، ص ۳۹۷). این بیعت زمانی صورت می گرفت که مسلمانان به شدت از جانب کفار تحت فشار و آزار بودند. زنانی که در این بیعت شرکت داشتند، نسیمه دختر کعب بن عمرو از بنی مازن بن نجار مشهور به «ام عماره» (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۴۱۲) و اسماء دختر عمرو بن عدی از بنی کعب بن سلمه با کنیه «ام منیع» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۲) بودند.

همچنین در بیعت رضوان که در سال ششم هجری رخ داد و طی آن مسلمانان مدینه زیر درختی با پیامبر ﷺ بر جان خود بیعت نمودند، زنانی نیز حضور داشتند. به گفته مورخان، این زنان عبارت بودند از ام سلمه، ام عماره، ام منیب و ام عامر اشهلی، و ربیع دختر معوذ که همگی آنان با حضرت محمد ﷺ بیعت کردند (واقعی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۴).

همچنین پس از فتح مکه، زنان برای بیعت نزد رسول خدا ﷺ آمدند و خداوند آیه ۱۲ سوره ممتحنه را نازل فرمود: «ای پیامبر! اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند تا بیعت کنند، به این شرط که هیچ کس را با خدا شریک نکنند و... با آنان بیعت کن و برایشان از خدا آمرزش بخواه، که خدا آمرزنده و مهربان است» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۶۱). پس از نزول این آیه، رسول خدا ﷺ برای بیعت دستور داد ظرف آبی آوردند و سپس آن حضرت دست خود را در آن گذاشت و از زنان خواست هر کس که خواستار بیعت است، دست خود را در آن ظرف قرار دهد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۶۴).

بر اساس این آیه، رسول خدا ﷺ نه تنها زنان را از این عمل نهی نکرد، بلکه از سوی خداوند مأمور شد تا با آنان بیعت کند. درحقیقت قرآن کریم به بیعت با زنان و حضور اجتماعی آنان مانند برخی سنن جاهلی صحّه گذاشت و اصل بیعت با آنان را پذیرفت.

مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره جاهلی، حضور زنان در بیعت‌های جاهلی، محدود و بیشتر به عنوان استثنا و در قالبی نمادین یا غیرسازمان یافته بوده است. در مقابل، حضور زنان در بیعت‌های دوران نبوی، با گسترش دامنه و تشریح هویت افراد (نام‌های مشخص) همراه است و پشتوانه‌ای دینی-قرآنی دارد که بیعت‌های مهم تاریخ اسلام را مشروع می‌سازد.

۲. نقش نظامی

جنگ و درگیری در میان تمامی جوامع، از اتفاقات مهم و تأثیرگذار به شمار می‌رود، اما اهمیت جنگ در میان قبایل عرب بسیار فراتر از جوامع دیگر بود. جنگ، مشخصه اصلی زندگی اعراب بود و در میان آنان، یکی از سنت‌ها شمرده می‌شد. آنان پیوسته می‌کشتند و کشته می‌شدند و از خون‌ریزی و خون‌خواهی نمی‌آسودند. یکی از دلایل این امر را می‌توان در سختی معیشت و البته تعصبات قبیله‌ای دانست؛ چراکه فردیت عرب جاهلی چنان در قبیله هضم و جذب شده بود که توهین و قتل یکی از افراد قبیله را توهین به تمام افراد قبیله می‌دانستند و همگی درصدد انتقام برمی‌آمدند. چنان‌که عبدالعزی بن مالک طایی، شاعر جاهلی، چنین سروده است: چون در طلب و انتقام از قومی باشیم، تا خون ننوشیم، شیر شتر نندوشیم (البحتری، ۱۴۲۸، ص ۸۵). با گذشت زمان، جنگ‌ها در میان آنان از چنان جایگاهی برخوردار شد که به عنوان ابزاری برای کسب درآمد به شمار می‌آمد و به بخشی از زندگی و حرفه آنان بدل شد. همچنین عنوان حماسه و تاریخ به خود گرفت و به نام ایام العرب مشهور گردید.

۲-۱. نقش زنان در جنگ‌های عصر جاهلی

یکی از عادات اعراب این بود که در جنگ‌ها دختران را بر روی شتران سوار می‌کردند تا در هنگام شدت جنگ آواز بخوانند و دَف بنوازند تا به این وسیله جوانان را تهییج و تشویق

نمایند و به آنان یادآور شوند که اگر در جنگ شکست بخورند، زنانشان به دست دشمن می‌افتند. درحقیقت باتوجه به تعصب و حساسیت شدید اعراب نسبت به زنان و اسارتشان در جنگ‌ها، از آنان به عنوان ابزار جنگ روانی در تهییج و تحریض سپاهیان بهره می‌گرفتند. این زنان گاهی شعر می‌گفتند و مردان را تشویق به جنگ می‌کردند و گاهی تنها حضور داشتند و درباره آنها شعر گفته می‌شد. در زیر به نمونه‌های هر دو بخش اشاره می‌شود.

یکی از زنان در روز جنگ ذی‌قار چنین می‌سراید: جانم فدای شما باد ای بنی‌عجل! اگر بر آنان چیره شوید، به ما برسید. آنها برای ترغیب مردان این گونه ادامه می‌دادند: اگر پیروز شوید شما را دربرگیریم و فرش دیبا بگسترانیم و اگر فرار کنید از شما دور شویم (ابوعبیده، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۱۳۱).

همچنین عمر بن‌کلثوم، شاعر برجسته این دوران، می‌سراید: زنان زیبای روی از پس ما ایستاده‌اند و از بیم اسارت آنها و اهانت به آنان است که این همه پایداری می‌کنیم. اسبان ما را علف می‌دهند و می‌گویند اگر ما را اسیر دشمن بسازید شوهران ما نیستید (ابن‌ابی‌خطاب، ۱۴۲۴، ص ۱۹۳ و ابن‌انباری، بی‌تا، ص ۲۷۱).

در همین جنگ ذی‌قار است که حنظله بن‌ثعلبه برای تشویق افراد قبیله اش به جنگ، طناب هودج دخترش، ماریه و زنان دیگر را می‌برد و با این کار به مردان می‌فهماند اگر فرار کنند نمی‌توانند زنان را با خود ببرند و برای جلوگیری از اسارت زنان و دختران، باید تا آخرین نفس بجنگند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۰).

نمونه دیگر مشارکت زنان جاهلی در جنگ، زمانی است که زنان قریش به پیشنهاد صفوان بن‌امیه، همراه مردان خود به جنگ احد آمده بودند. در هر منزلی که آنان توقف می‌کردند، زنان با دف و دایره بیرون می‌آمدند و آنان را به جنگ تحریض می‌کردند. هنگام نبرد نیز آنان پیشاپیش سپاه، طبل و دف می‌زدند و سپس به عقب صفوف سپاه برمی‌گشتند و هر جا کسی را می‌دیدند که از جنگیدن فرار می‌کند او را به جنگیدن ترغیب می‌کردند و کشتگان بدر را به وی یادآوری می‌نمودند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲).

هند، دختر عتبه و همسر ابوسفیان، که رهبری این زنان را بر عهده داشت، با سرودن

اشعاری، مردان را به جنگ تشویق می‌کرد. از جمله آنکه: اگر به میدان جنگ روی آورید، شما را در آغوش می‌کشیم و برای شما بسترهای نرم می‌گسترانیم. اگر پشت به جنگ کنید، از روی بی‌مهری از شما جدا می‌شویم و جدایی ما دیگر دوستی بردار نیست (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۱۲۷).

نقش زنان در جنگ‌های جاهلی، تنها به تشویق و تحریض مردان محدود نمی‌شد؛ چنان‌که در این جنگ، زمانی که به علت کشته شدن پی‌درپی پرچمداران قریش، آثار شکست بر آنان هویدا شد، عمره دختر علقمه حارثی، پرچم به خاک افتاده آنان را برگرفت و قریشیان آن را برافراشته دیدند و به گرد آن جمع شدند (واقعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۳). حسان بن ثابت در این باره چنین سروده است: اگر پرچم دختر حارثه نبود، هر آینه در بازار برده فروشان فروخته می‌شدند (ابن‌ثابت، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۸۰).

ام‌عمرو دختر وقدان نیز در تحریک مردان به جنگ سروده‌هایی دارد؛ از جمله: حال که شما انتقام برادرانتان را نگرفتید، پس سلاح بیفکنید و به دوردست بروید و آنجا سرمه‌دان بگیرید و جامه زنان بپوشید. وای از این قوم بی‌حمیت نادان (مرزوقی، ۱۴۲۴، ص ۸۲۹ و ابن‌فورجه، ۱۹۸۷، ص ۶۷). به نظر می‌رسد این گونه استفاده‌های ابزاری از زنان در دوران عرب جاهلی، برخاسته از دیدگاه آنان درباره زنان و جایگاه آنان است.

۲-۲. نقش زنان در جنگ‌های دوران نبوی

در عصر اسلامی، زنان مسلمان به شیوه‌های گوناگون در جنگ‌ها حضور داشتند. منابع گوناگون، به بیان حضور و اقدامات زنان در جنگ‌های رسول خدا ﷺ پرداخته‌اند. این اقدامات که شامل فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی، پشتیبانی و تدارکات و امدادی و درمانی بود، برای پشتیبانی از رزمندگان اسلام و از سوی زنانی شجاع و البته کاملاً داوطلبانه صورت می‌پذیرفت.

۲-۲-۱. کارکرد تبلیغی

کارهای زنان، گاه جنبه تبلیغی نیز پیدا می‌کرد؛ چنان‌که صفیه، عمه رسول خدا ﷺ، در جنگ احد نیزه‌ای به دست گرفت و درحالی که بر پشت مردان فراری می‌کوفت، می‌گفت: از

رسول خدا ﷺ فرار کردید (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۴۱۳). همچنین هند دختر اثاثه بن عباد بن مطلب در جنگ بدر با سرودن اشعاری به پاسخ‌گویی اشعار هند دختر عتبه می‌پرداخت (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۸۸).

۲-۲-۲. کارکرد درمانی و تدارکاتی

گاهی حضور زنان در صحنه‌های سخت نبرد، برای پشتیبانی و مداوای مجروحان الزامی می‌شد. چنان‌که دختر رسول خدا ﷺ نیز در جنگ‌ها حضوری فعال داشت. در غزوه احد، هنگامی که کار جنگ سخت گردید و گروهی از مسلمانان شهید و مجروح شدند؛ درحالی‌که رسول خدا ﷺ نیز زخمی شده و از پیشانی حضرت خون جاری بود، علی رضی الله عنه با سپر بر روی زخم حضرت آب می‌ریخت و فاطمه رضی الله عنها زخم حضرت را شست و شو می‌داد. چون دید آب جلوی خون‌ریزی را نمی‌گیرد، قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر روی زخم نهاد و از خون‌ریزی بیشتر جلوگیری نمود (واقعی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۹).

در این نبرد، علاوه بر حضرت فاطمه رضی الله عنها، چهارده تن از زنان، برای مجاهدان غذا و آب می‌بردند و مجروحان را مداوا می‌کردند (بخاری، بی تا، ج ۵، ص ۳۸). برای نمونه، ام ایمن (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۲۲۵)، ام سلیم و زنان دیگری از انصار نیز با اجازه مستقیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، وظیفه آبرسانی و درمان را به عهده داشتند. ام سلیم در جنگ حنین نیز با وجود بارداری، برای یاری مسلمانان حاضر بود (مسلم، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۴۳ و ابی داود سجستانی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۱۸۳). حکمته دختر جحش نیز از زنانی بود که در جنگ احد حضور داشت و با وجود اینکه دایی، برادر و شوهرش در این جنگ به شهادت رسیدند، با کمال رشادت و شهامت، همگام با سایر رزمندگان، به مداوای مجروحان می‌پرداخت و به آنان آب می‌رساند (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۲۴۱).

از جمله دیگر زنان، ربیع دختر معوذ بود که در جنگ‌های بسیاری شرکت داشت، برای رزمندگان آب تهیه می‌کرد، مجروحان و شهدا را به مدینه می‌رساند و به مداوای مجروحان می‌پرداخت (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۲). «رفیده اسلمیه» نیز بانوی مسلمان مشهوری است که در غزوات شرکت می‌کرد و به مداوای مجروحان می‌پرداخت؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ در جنگ خندق خیمه‌ای در مسجد به او داد تا به مداوای مجروحان بپردازد و دستور داد تا

سعد بن معاذ را برای مداوا به خیمه او ببرند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۱۸۳۸).

برخی زنان، حضور خود در نبردها را گزارش کرده‌اند. برای نمونه، نسیمه دختر حارث نقل کرده است که همراه رسول خدا ﷺ در هفت جنگ شرکت کردم. برای آنان غذا می‌پختم و از بیماران و زخمی‌ها نگهداری می‌کردم (مسلم، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۴۷).

امیه دختر ابوصلت غفاری و شماری از زنان بنی غفار، و ام‌سنان آسلمی نیز در جنگ خیبر حضور داشتند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۹۲-۲۹۳). بانویی دیگر به نام ام‌ایه، در جنگ خیبر ضمن گفتگو با رسول خدا ﷺ، به بیان خدمات زنان در جنگ، مانند درمان مجروحان، آماده کردن تیرها، سرودن شعر و آبرسانی پرداخت و یادآور شد که این اقدامات، تنها برای جهاد در راه خدا از سوی زنان صورت می‌پذیرد. گرچه رسول خدا ﷺ از حضور بدون اجازه او و پنج زن دیگر در جنگ خیبر ناراحت می‌شود، ولی اجازه ماندن به آنان می‌دهد و پس از پیروزی، آنان را در غنائم جنگ شریک می‌کند (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۳۴). البته نقش آفرینی زنان به عنوان پرستار و یا برای کمک‌های تدارکاتی، مورد تأیید پیامبر ﷺ بود و تحت اشراف کامل ایشان صورت می‌پذیرفت. به نظر می‌رسد این گونه نقش‌های زنان در جنگ‌های دوران نبوی، با توجه به از بین رفتن استفاده ابزاری از آنان، بسیار پررنگ‌تر و چشمگیرتر نمایان شده است.

۲-۳. کارکرد دفاعی

زنان علاوه بر حضور در جنگ‌ها برای پشتیبانی و به رغم آنکه از جهاد ابتدایی معاف شده بودند، گاه در صحنه‌های سخت، به نبرد نیز مشغول می‌شدند؛ چنان‌که نسیمه دختر کعب، به همراه شوهر و پسرانش در جنگ احد حضور داشت. زمانی که کار جنگ سخت شد و بسیاری از مجاهدان از میدان نبرد گریختند، نسیمه مشک آب راها کرد و با برداشتن سلاح به دفاع از رسول خدا ﷺ پرداخت و حتی موفق به کشتن تعدادی از مشرکان گردید (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۱۳ و واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۰).

دست به اسلحه شدن زنان، تنها منحصر به دفاع از پیامبر ﷺ نبود. برخی زنان، مانند ام‌سلیم دختر ملحان، در میدان‌های جنگ با خود سلاح حمل می‌کردند تا در مواقع ضرورت از خود دفاع کنند. وقتی که رسول خدا ﷺ از ام‌سلیم، دلیل حمل سلاحش را پرسید، او گفت:

برای آن است که اگر مشرکان به من نزدیک شدند با آن شکمشان را بدم. رسول خدا ﷺ از این کار خنده‌اش گرفت، ولی مانع او نشد (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۵). به نظر می‌رسد دلیل آن را می‌توان دفاع از خود دانست.

چنان‌که بیان شد پیامبر ﷺ نه تنها زنان را از حضور در جنگ‌ها و صحنه‌های نبرد منع نمی‌کرد، بلکه همان‌گونه که گذشت، این حضور گاه با اجازه صریح حضرت صورت می‌گرفت. ام‌سنان می‌گوید: هنگامی که پیامبر ﷺ می‌خواست به جنگ خیبر برود، پیش ایشان رفتم و گفتم: آیا می‌توانم همراه شما بیایم و مشک‌های آب را بیاورم و بیماران و مجروحان را مداوا کنم؟ آن حضرت پاسخ داد: در پناه لطف و برکت خدا بیا. بانوان دیگری هم از قوم خودت و جز ایشان در این باره با من گفت‌وگو کرده‌اند و به آنان نیز اجازه داده‌ام (همان، ص ۲۹۸). درحقیقت در جنگ خیبر، بیست بانوی مسلمان، از جمله ام‌سلمه، همسر پیامبر ﷺ و صفیه، دختر عبدالمطلب، ام‌عمارة نسیبه دختر کعب، ام‌منیع، ام‌سلیم دختر ملحان، ام‌ضحاک دختر مسعود حارثیه و هند دختر عمرو بن حزام، همراه با پیامبر ﷺ حضور داشتند (واقعی، بی تا، ج ۲، ص ۶۸۵).

عدم ممانعت رسول خدا ﷺ از حضور همسران خود در میدان‌های مبارزه نیز نکته‌ای قابل توجه است. چنان‌که ام‌سلمه در جنگ‌های المرسیع، خیبر، فتح مکه، حنین و خندق در کنار رسول خدا ﷺ حضور داشت (همان، ص ۴۶۷).

زنان علاوه بر حضور مستقیم در صحنه‌های نبرد، در پشت جبهه برای تدارک نیازمندی‌ها و یاری سپاه اسلام، کمک‌های نقدی و غیرنقدی می‌کردند و بسیاری از آنان به میزان توانایی خود به مجاهدان یاری می‌رساندند. ام‌سنان گوید: در خانه عایشه دیدم پارچه‌ای جلوی رسول خدا ﷺ انداخته‌اند که در آن، دستبندها، خلیخال‌ها، گردنبندها و انگشتری‌هایی بود که زنان فرستادند تا سپاه اسلام را یاری دهند (همان، ج ۳، ص ۹۹۲).

آنچه در این موضوع، واضح و مسلم است آنکه زنان به علت وضعیت جسمانی خود قادر به حضور در جنگ‌ها به‌عنوان یک رزمنده نبوده‌اند و این امر، به عصر جاهلیت یا اسلام اختصاص ندارد. آنچه تفاوت اسلام و جاهلیت را در این موضوع نشان می‌دهد، درحقیقت برخاسته از نگاه جامعه جاهلی و اسلامی به زنان است. چنان‌که گذشت در جنگ‌های

جاهلی، نگاهی جنسی به زنان وجود دارد و برای تشویق مردان از آنان استفاده می‌شد، ولی در جنگ‌های اسلامی، زنان به عنوان پشتیبانان جنگ و البته حامیان مردان خود در صحنه حضور داشتند. حضور آنان در جنگ‌ها، داوطلبانه و البته با اجازه رسول خدا ﷺ بوده است؛ چراکه در اسلام، جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست. از این رو پیامبر ﷺ برای جنگ به دنبال مردان می‌فرستاد، ولی زنان، خود تقاضای حضور در جنگ را برای پشتیبانی از مردان مطرح می‌کردند. این بانوان، در امور تدارکاتی جبهه، از جمله تخلیه مجروحان، دفن شهدا و تهیه آب و... حضور گسترده‌ای داشتند. از کنار هم گذاشتن گزارش‌ها درباره حضور زنان در جبهه‌های نبرد، چنین به نظر می‌رسد که پیامبر ﷺ به آن دسته از زنانی که داوطلب اعزام می‌شدند و مهارت لازم را برای کارهای جبهه، مثل مداوای مجروحان، آشپزی، و... داشتند و از شجاعت لازم نیز برای حضور در صحنه جنگ برخوردار بودند، اجازه حضور می‌فرمود. تجربه و سابقه حضور در جنگ، از دیگر ملاک‌های شرکت در نبردها بود. با نگاهی به نام زنان حاضر در غزوات، این مطلب ثابت می‌شود که برخی زنان در چندین نبرد حضور داشته‌اند. حاصل آنکه در دوران جاهلی، زنان در نبردها بیشتر به عنوان ابزارهای جنگ روانی به کار گرفته می‌شدند. در مقابل، در دوران نبوی، نقش زنان به طور قابل توجهی تغییر کرد و به عنوان پشتیبانان فعال و داوطلب در جنگ‌ها شناخته شدند.

۳. نقش اقتصادی زنان در قالب دادوستد

دادوستد همواره به عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشرفت اجتماعی و اقتصادی یک جامعه مطرح است. این موضوع به ویژه در جوامع ابتدایی گذشته، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. در این میان، حضور زنان در این امر می‌تواند علامت رشد و پذیرش آنان در جامعه خود باشد. جامعه جاهلی نیز از این امر مستثنی نبود و دادوستد و البته مشارکت زنان در آن، دارای اهمیت خاصی بوده است؛ چراکه به خوبی نشان دهنده میزان حضور و پذیرش آنان در جامعه است. در عصر جاهلی از زنانی نام برده شده است که در امر تجارت، چه در عرصه‌های کلان و چه به صورت خرد، فعال بودند. البته این امر با توجه به اقتصاد تجاری شبه جزیره عرب در عصر جاهلی، امری دور از انتظار نیست، اما چگونگی این حضور

می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. البته برخورد و نوع واکنش اسلام و پیامبر ﷺ با این موضوع می‌تواند مورد توجه و مذاقه باشد.

۱-۳. نقش زنان در تجارت عصر جاهلی

اشتغال به تجارت و خرید و فروش در جاهلیت، مخصوص مردان نبود؛ بلکه زنانی هم بودند که به این کار اشتغال داشتند. البته زنان، خود به سفر تجاری نمی‌رفتند. به احتمال فراوان، عدم حضور مستقیم زنان در تجارت، به مسائلی همچون ساختار قبیله‌ای عرب، محدودیت‌های عرفی جامعه عربی، عدم امنیت سفر در جغرافیای تجاری آن زمان و دلایلی از این دست بازمی‌گردد (خراسانی پاریزی، ۱۳۹۹، ص ۱۹-۲۰).

۱-۱-۳. تجارت‌های کلان

بنا بر آنچه گذشت، زنان آن دوران، مردان را به خدمت می‌گرفتند و با ایشان شراکت می‌کردند. نمونه روشن این موضوع، حضرت خدیجه رضی الله عنها است. وی از تاجران پرآوازه روزگار خود بود که مردان بسیاری برای او به تجارت مشغول بودند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۷). گاهی نیز برخی زنانی که خود به تجارت نمی‌پرداختند، امانت‌دار اموال شوهران خویش می‌شدند. برای نمونه، ام‌فضل دختر حارث، که امانت‌دار اموال شوهرش، عباس بن عبدالمطلب، گردید (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۶۵). نمونه دیگر، ام‌شبهه دختر ابی طلحه است که امانت‌دار اموال همسرش، حجاج بن علاط السلمی، بود (همان، ج ۳، ص ۱۷). می‌توان این همراهی در تجارت و حفظ اموال را شیوه‌ای دیگر در تجارت غیرمستقیم زنان به شمار آورد.

۲-۱-۳. تجارت‌های خرد

تجارت زنان جاهلی، محدود به معاملات بزرگ نبود؛ از این‌رو گاه زنان برای معاملات کوچک، به قبایل رفت‌وآمد می‌کردند؛ چنان‌که زنی مقداری گوشت شتر را به قبیله‌ای برد تا با عطر معامله نماید (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۵۷). گرچه هدف او از این کار جاسوسی بود، ولی از آنجا که حضور و عمل او در میان قبیله دیگر، ظن کسی را برانگیخته نکرد، بنابراین بایستی این کارها در آن روزگار رایج بوده باشد.

از دیگر مشاغل زنان در دوران جاهلیت می‌توان به آرایشگری اشاره کرد که زنانی همچون ام‌غلیان (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۴۷)، آمنه دختر عفان و خواهر خلیفه سوم (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۹۵)، بسره دختر صفوان (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۱) و ام‌زفر بدان اشتغال داشتند (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۳۳). ام‌زفر همان است که به آرایش خدیجه علیها السلام در شب عروسی او با پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت (همان).

همچنین دایگی و پرستاری از کودکان، از کارهای زنان در این دوران به شمار می‌رفت. حلیمه سعدیه، دایه رسول خدا صلی الله علیه و آله، مشهورترین مورد این گونه زنان در تاریخ اسلام است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۰).

از کارهای دیگری که در این دوران به زنان واگذار می‌شد، چوپانی و دامپروری بود. برخی منابع اشاره کرده‌اند که این کار، بیشتر برای دور کردن آنان از خانه و رهایی از ننگ دختردار شدن صورت می‌گرفت (رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۱۶۱).

۳-۲. نقش زنان در تجارت دوران نبوی

چنان‌که در صفحات پیشین ذکر شد، در عصر جاهلی، زنان به تجارت مشغول بودند، اما با توجه به دیدگاه و فرهنگ حاکم بر جامعه خود، به صورت مستقیم به این کار نمی‌پرداختند. همچنین با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه جاهلی، این کار از عهده زنانی برمی‌آمد که دارای ثروت و سرمایه کافی باشند. در حالی که اسلام با اصلاح دیدگاه جامعه درباره زنان، برای آنان بستر مناسب‌تری فراهم نمود تا خود با سرمایه‌های اندک خویش و به تنهایی و مستقل، به کسب و کار هرچند کوچک بپردازند و از این راه برای خود کسب درآمد نمایند.

۳-۲-۱. تأیید اصل تجارت زنان از سوی اسلام

در تأیید اصل تجارت از سوی اسلام می‌توان همان مورد حضرت خدیجه علیها السلام را پیگیری نمود. کار تجارت ایشان پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و بعثت ایشان همچنان ادامه یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها ایشان را از کار تجارت منع نکرد، بلکه یار و کمک‌کار ایشان نیز بود.

این امر، تنها ویژه حضرت خدیجه علیها السلام نبود و در مورد زنان دیگر نیز مصداق داشت. آن

حضرت نه تنها آنان را از کسب و کار منع نمی‌کرد؛ بلکه توصیه‌هایی برای بهتر شدن کارشان برای آنان بیان می‌فرمود. حتی در بسیاری از موارد، خود به آموزش احکام تجارت اسلامی به زنان می‌پرداخت و آنان را در کار تجارتشان یاری می‌نمود. حواء، از زنان مدنی و عطر فروش سیار بود. او به خانه‌های مردم مدینه و از جمله، همسران رسول خدا ﷺ می‌رفت و به آنان عطر می‌فروخت. روزی رسول خدا ﷺ وارد خانه شد و او را دید و فرمود: در هنگام فروش عطر، جنس سالم با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک‌تر است و سبب خیر و برکت مال و درآمد می‌گردد (کلینی، ۱۴۱، ج ۵، ص ۱۵۱). ملیکه، مادر سائب بن اقرع ثقفیه، دیگر بانوی عطر فروش عصر نبوی است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۷۰).

کار و دادوستد زنان و کسب درآمد برای آنان در عصر نبوی، نه تنها مورد تأیید اسلام قرار گرفت؛ بلکه رسول خدا ﷺ به بیان احکام این امر برای زنان می‌پرداخت و آنان را در این مورد راهنمایی می‌فرمود؛ چنان‌که در حوزه تجارت دیگر اجناس، می‌توان به قیله انماریه اشاره کرد. وی اجناسی را از بازار می‌خرید و سپس آنان را می‌فروخت. وی گزارش کرده است که در یکی از عمره‌های رسول خدا ﷺ، به حضور آن حضرت رسیدم و گفتم: ای رسول خدا ﷺ! من زنی هستم که خرید و فروش می‌کنم. گاهی کالایی می‌خرم و نخست کمتر از آنچه می‌خواهم و باید بدهم، پرداخت می‌کنم و سپس اندک‌اندک بر آن می‌افزایم تا به همان اندازه‌ای که می‌خواهم می‌رسد و گاهی که می‌خواهم کالایی بفروشم، نخست آن را فراتر از قیمتی که باید بدهم، می‌گویم و سپس اندک‌اندک از بهای آن می‌کاهم و سرانجام به همان قیمت که می‌خواهم، می‌فروشم. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای قیله چنین نکن؛ نه چانه بزن نه قیمت را بالاتر بگو. وقتی می‌خواهی چیزی بخری، از همان آغاز، قیمتی را که می‌خواهی بپردازی، پیشنهاد کن؛ چه بپذیرند و چه نپذیرند. و هنگامی که چیزی را می‌فروشی، از همان آغاز، قیمت نهایی را بگو؛ چه بخرند و چه نخرند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۱).

۲-۲-۳. نمونه مشاغل زنان در دوران نبوی

به جز عطر فروشی و دادوستد که در بالا گذشت، شغل زنانه دیگری که اسلام تأیید کرد،

دایه‌گری و شیر دادن کودکان بود. ام‌برده دختر منذر، دایه ابراهیم، فرزند رسول خدا ﷺ شد و تا پایان حیات کودک به او شیر می‌داد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۶۳).

در تاریخ اسلام، از زنان صنعتگری مانند زینب دختر جحش نام برده شده است که به کارهای دباغی و دوخت لوازم چرمی مشغول بود و از درآمد خود صدقه می‌داد (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۰۸). این امر نشان از آن دارد که مشاغل زنان، به چند شغل زنانه محدود نمی‌شد و زنان علاوه بر اجازه کار و فعالیت اجتماعی، مالک درآمد خود نیز بودند و آن را به میل خود خرج می‌کردند. درحقیقت، زنانی که در عصر جاهلیت، نه تنها مالک چیزی نبودند و ارث نمی‌بردند، بلکه ارث برده می‌شدند، در دوران نبوی از حقوق انسانی برخوردار و مالک دسترنج خویش شدند.

مقایسه نقش زنان در تجارت در دو دوره جاهلی و نبوی نشان‌دهنده تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که رخ داده بود. در عصر جاهلی، زنان به‌عنوان موجوداتی با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، بیشتر به‌صورت غیرمستقیم در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشتند. در مقابل، با ظهور اسلام و تأسیس اصول جدید اجتماعی، زنان به‌عنوان شخصیت‌های مستقل و فعال در عرصه‌های اقتصادی شناخته شدند. اسلام با تأکید بر حقوق انسانی و اقتصادی زنان، بستر مناسبی برای مشارکت آنها در تجارت و کسب و کار فراهم آورد.

۴. نقش فرهنگی زنان در قالب آیین‌های اجتماعی

بیشترین بروز و ظهور نقش فرهنگی زنان در بازه تحقیق، حضور و تأثیر ایشان در آیین‌های دینی و اجتماعی بود. آیین‌های دینی و اجتماعی در هر جامعه، چکیده عقاید و آداب و رسوم آن جامعه و فرهنگ به‌شمار می‌رود. در این میان، حضور زنان در این آیین‌ها می‌تواند نشانگر خوبی برای بیان جایگاه آنان در جامعه و نوع نگرش آن فرهنگ به آنان باشد. حضور زنان در آیین‌های جامعه عربستان پیش و بعد از اسلام، بیانگر خوبی برای بیان وضعیت فرهنگی آنان و البته مقایسه این دو وضعیت است.

۱-۴. نقش زنان عصر جاهلی در آیین‌های اجتماعی

یکی از مراسم دینی و عبادی که سابقه دیرینه‌ای در جزیره العرب دارد، حج و مناسک آن است که سابقه آن به عصر حضرت ابراهیم علیه السلام بازمی‌گردد. در دوران پیش از اسلام نیز مراسم حج از اهمیت فراوانی به ویژه در جنبه‌های عبادی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار بود. مراسم حج در جاهلیت با خرافاتی همراه بود که حضور اجتماعی زنان را می‌کاست. بر اساس شواهد تاریخی، از رسوم رایج در دوران جاهلیت در ایام حج این بود که زائرنی که با پوشش شخصی خود مناسک طواف را انجام می‌دادند، پس از پایان طواف، مجاز به نگهداری آن لباس نبودند و باید آن را به عنوان صدقه اهدا کنند. به همین سبب، بسیاری از حاجیان، پیش از آغاز طواف، به جای استفاده از لباس خود، پوششی عاریه می‌گرفتند تا پس از انجام مراسم، آن را به صاحبش بازگردانند. در مواردی که پوشش عاریه در دسترس نبود، لباس را کرایه می‌کردند و چنانچه هیچ‌یک از این دو امکان فراهم نمی‌شد و فرد تنها یک دست لباس داشت، طواف را در حالت برهنگی به جا می‌آورد. روشن است که این امر برای زنان به چه میزان زننده و دشوار است. در یکی از نمونه‌های ذکر شده، زنی جوان و صاحب جمال از اهالی عربستان وارد مکه شد و در جست‌وجوی پوششی برای عاریه یا کرایه تلاش کرد، اما موفق نشد. وی تنها یک لباس به همراه داشت. اطرافیان به او اطلاع دادند که در صورت انجام طواف با همان لباس، ملزم به صدقه دادن آن است. زن در پاسخ اظهار داشت که پوشش دیگری ندارد و امکان صدقه دادن این لباس برایش وجود ندارد. بنابراین، بر اساس باور و رسم حاکم، در حضور جمعیت، مناسک طواف را به صورت برهنه انجام داد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۱).

دلیل دیگری نیز بر طواف برهنه ذکر شده است. بر اساس برخی گزارش‌ها، در جاهلیت بر این باور بودند که نباید در پوششی که پیش‌تر در آن معصیت خداوند صورت گرفته است طواف کنند. از این رو زنی بیابان‌نشین وارد شهر مکه شد و با خارج ساختن لباس‌های خود، مناسک طواف را انجام داد و شعری بدین مضمون زمزمه می‌کرد: امروز برخی یا تمام بخش‌هایی از بدنم نمایان می‌شود، اما نگاه دیگران بر آن را روا نمی‌دارم (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۷۸).

۴-۲. نقش زنان دوران نبوی در آیین‌های اجتماعی

در دوران اسلام، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، نه تنها پذیرفته شد؛ بلکه با حفظ کرامت انسانی آنان نیز همراه گشت. اسلام، مردان و زنان را به حضور در امور اجتماعی فراخوانده و منعی برای زنان قائل نشده است. اسلام، زنان را با مردان در بسیاری از امور اجتماعی شریک دانسته و به صراحت در پاسخ به اعتراض اسماء دختر عمیس که چرا زنان همچون مردان، مخاطب آیات قرآن نیستند (طبری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۱۵)، زنان و مردان را در تمام امور دینی و اجتماعی سهیم دانسته است (احزاب: ۳۵).

از دیگر آیات قرآن که بر حضور اجتماعی زنان صحه گذارده، آیات مربوط به تعامل مادر و خواهر موسی علیه السلام با فرعونیان است (قصص: ۷-۱۳). حضور دختران حضرت شعیب در میان مردان (قصص: ۲۳-۲۷) و حضور زنان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بردن شکایت در محضر ایشان (مجادله: ۱)، نمونه‌های دیگری از این دست به شمار می‌روند.

در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از همان ابتدا، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، امری پذیرفته شده بود. حضور حضرت خدیجه رضی الله عنها در کنار ایشان برای برپایی نماز در مسجد الحرام در میان مشرکان، به خوبی گواه این امر است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۱).

در بررسی نقش اجتماعی زنان در جامعه اسلامی، نکته قابل توجه آن است که مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی گاه به قدری گسترده بود که بعدها به عنوان شاهدان وقایع، روایتگر آن حوادث شده‌اند. جایگاه این روایتگری در منابع تاریخی با عنوان «ناقلان حدیث» ثبت گردیده است؛ اصطلاحی که نشان می‌دهد زنان نه تنها در متن رویدادها حضور داشته‌اند، بلکه در فرایند ثبت و انتقال میراث شفاهی و مکتوب اسلامی نیز نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. ام‌عمار از همین زنان است که در ماجرای صلح حدیبیه و بیعت رضوان حضور داشته و از جمله کسانی است که این ماجرا و افرادی را که در آن حضور داشته‌اند معرفی می‌نماید (واقعی، بی تا، ج ۲، ص ۶۱۳).

دیگر حضور اجتماعی زنان، به شرکت در نمازها بازمی‌گردد. زنان به همراه مردان برای اقامه نمازهای جماعت عادی و خاص، مانند نماز عید فطر، از خانه‌ها خارج می‌شدند و در

اجتماع مسلمانان شرکت می‌کردند. ام عطیه گزارش کرده است که ما به خارج شدن در روز عید امر شدیم و زنان باکره و حائض نیز خارج شدند. زنان پشت سر مردان تکبیر می‌گفتند و مانند آنان برای برکت و پاکیزگی دعا می‌خواندند (بخاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷).

دانسته است که زن حائض، مکلف به ادای نماز نیست؛ با این حال حضور اجتماعی بانوان تا بدان پایه اهمیت دارد که به ایشان و دیگر زنان خلوت نشین دستور داده شد که در دو عید یادشده خارج شوند تا شاهد اجتماع مسلمانان باشند (مسلم، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۰۶).

گزارش ام‌سنان اسلمیه نیز شرکت زنان به همراه رسول خدا ﷺ در نمازهای جمعه و عیدین را تأیید می‌کند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۱۲). این حضور، تنها به اجتماعات روزانه، بزرگ و خاص محدود نمی‌شد؛ بلکه پیامبر ﷺ به مسلمانان توصیه کرده بود

هنگامی که زنان از شما اجازه خواستند در نماز جماعت شرکت کنند، مانع آنان نشوید (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۱۱). پیامبر ﷺ حتی این توصیه را به نمازهای جماعت شبانه نیز سرایت داده بود (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۰).

به طور کلی، نقش زنان در آیین‌های اجتماعی، از عصر جاهلی تا دوران نبوی، تغییرات قابل توجهی را تجربه کرد. در حالی که زنان در عصر جاهلی با محدودیت‌ها و فشارهای اجتماعی مواجه بودند، با ظهور اسلام و تأسیس اصول اجتماعی اسلامی، آنها به عنوان شخصیت‌های مستقل و فعال در عرصه‌های اجتماعی شناخته شدند. این تحولات نه تنها به بهبود وضعیت اجتماعی زنان منجر شد؛ بلکه به ارتقای جایگاه آنان در جامعه اسلامی نیز کمک شایانی کرد.

نتیجه‌گیری

جامعه عرب پیش از اسلام، با نادیده گرفتن حیثیت انسانی زنان و تقلیل آنان به ابزاری در خدمت منافع قبیله‌ای، مشارکت اجتماعی شان را به حاشیه رانده بود. از این رو حضور زنان در پیمان‌ها و بیعت‌ها، محدود به نخبگان اشرافی و گاه استثنایی بود؛ در حالی که در جنگ‌ها به عنوان غنیمت جنگی، مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. در عرصه تجارت نیز هرچند تجارت زنان پذیرفته شده بود، اما بدون استقلال مالی و حقوقی عمل می‌کردند.

آیین‌های عبادی همچون حج نیز با آمیختگی خرافات و اعمال ناشایست، مانند برهنگی، جنبه‌ای تحقیرآمیز به حضور زنان می‌بخشید. باین حال، اسلام با دگرگونی بنیادین مبانی معرفتی نگاه به زن - از ابزاری بودن، به انسانی مستقل و دارای کرامت الهی - این الگوها را دگرگون ساخت: مشارکت زنان در بیعت‌ها نه تنها عام‌تر و فراگیرتر گردید، بلکه در قرآن به عنوان حقی الزامی و برابر با مردان تبیین شد. این امر، ساختارهای اجتماعی را به سمت برابری جنسیتی سوق داد و پیامدهایی چون تقویت همبستگی جمعی و کاهش سلطه قبیله‌ای را در پی داشت. حضور ابزاری در جنگ‌های جاهلی، به نقش‌های مؤثر و پشتیبان در عصر نبوی، از جمله نقش‌های درمانی، اطلاع‌رسانی و حتی جهادی تبدیل شد که این تحول، با تأکید بر شایستگی فردی، زمینه‌ساز ارتقای اعتماد به نفس اجتماعی زنان گردید. در حوزه تجارت، اسلام نه تنها استقلال مالی زنان را با احکام فقهی تأیید کرد؛ بلکه با راهنمایی‌های پیامبر ﷺ، از جمله تشویق به دادوستد عادلانه، فرصت‌های نوینی برای مشارکت اقتصادی مستقل پدید آورد که این امر به نوبه خود، تحرک اجتماعی و اقتصادی جوامع اسلامی را افزایش داد. همچنین زدودن خرافات از حج از سوی پیامبر ﷺ، نه تنها این آیین را از آلودگی‌های جنسیتی پاک کرد؛ بلکه حضور زنان را به نمادی از عبادت خالص و برابانه بدل ساخت که پیامد فرهنگی آن، بازسازی هویت جمعی بر پایه توحید و عدالت بود. این دگرگونی‌ها، که با رسمیت‌بخشی به نقش‌های پیشین (مانند تجارت)، تغییر ماهوی در برخی دیگر (مانند حضور در جنگ و بیعت) و تأسیس فرصت‌های نو (مانند استقلال حقوقی در مشارکت‌های اجتماعی) همراه بود، جایگاه اجتماعی زنان را به طور بنیادین ارتقا داد و مدعای اصلی تحقیق - مبنی بر تحول‌آفرینی اسلام در ساختارهای جنسیتی - را تأیید می‌کند. باین وجود باید اذعان داشت که سنت‌های قبیله‌ای و بقایای فرهنگی جاهلی، همچون تأکید بر محافظه‌کاری در برخی جوامع، گاه مانع از تحقق کامل این توانایی‌ها می‌شود و بر ضرورت بازخوانی مداوم آموزه‌های اسلامی برای غلبه بر چنین موانعی تأکید می‌ورزد.

فهرست منابع

قرآن كريم

۱. ابن أبى خطاب، محمد (۱۴۲۴ق)، جمهرة أشعار العرب، تحقيق: على حسن فاعور، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲. ابن اثير، عز الدين على بن محمد بن عبدالكريم الشيبانى الجزرى (۱۳۸۵ق)، الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر.
۳. _____ (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت: دار الفكر.
۴. ابن أنبارى، محمد بن قاسم (بى تا)، شرح القصائد السبع الطوال، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، بى جا: دار المعارف.
۵. ابن ثابت، حسان (۱۹۷۴م)، ديوان حسان بن ثابت، تحقيق: وليد عرفات، بيروت: دار صادر.
۶. ابن حجر عسقلانى، أحمد بن على (۱۴۱۵ق)، الإصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية.
۷. ابن سعد، محمد بن سعد كاتب الواقدي (بى تا)، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر.
۸. ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ق)، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دار الجيل.
۹. ابن فورجه، محمد بن محمد (۱۹۸۷م)، الفتح على ابن الفتح، بغداد: وزارة الثقافة والإعلام.
۱۰. ابن كثير الدمشقى، إسماعيل بن عمر (۱۴۰۷ق)، البداية و النهاية، بيروت: دار الفكر.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (بى تا)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
۱۲. ابن هشام الحميرى، عبد الملك (بى تا)، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى السقا و إبراهيم الإيبارى، بيروت: دار المعرفة.
۱۳. ابوالفرج الأصفهانى، على بن حسين (۱۴۱۵ق)، الأغانى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۱۴. ابو عبيده، معمر بن مثنى (۱۹۹۸م)، شرح تفاضل جرير و الفرزدق، تحقيق: محمد إبراهيم حور، أبو ظبى: المجمع الثقافى.
۱۵. أبى داود سجستانى، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو (۱۴۳۰ق)، سنن أبى داود، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و محمد كامل قره بللى، دمشق: دار الرسالة العالمية.
۱۶. البحترى، وليد بن عبيد (۱۴۲۸ق)، الحماسة، ابو ظبى: هيئه ابو ظبى للثقافة و التراث.
۱۷. بخارى، محمد بن إسماعيل (بى تا)، صحيح البخارى. بى جا: بى نا.
۱۸. بلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت: دار الفكر.
۱۹. خراسانى پاريزى، ابراهيم (۱۳۹۹ش)، «برسى جاىگاه زنان در سیره حكومتى پیامبر ﷺ»، مسكويه، ش ۵۳، ص ۱۸-۲۹.
۲۰. رازى، ابوالفتوح حسين بن على (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، تصحيح: محمد جعفر ياحقى و محمد مهدى ناصح، مشهد: آستان قدس رضوى.

۲۱. رضوانی کیا، محمود؛ سلیم، محمدنبی و اشرفی، احمد (۱۳۹۹ ش)، «جایگاه اجتماعی زنان در گذار از دوران جاهلی به اموی»، پژوهش نامه تاریخ، ش ۶۱، ص ۴۹-۶۵.
۲۲. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار التراث.
۲۵. قمی، علی بن إبراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ ق)، أصول الکافی، تصحیح: محمد جعفر شمس الدین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۷. متقی هندی، علاء الدین (۱۴۰۱ ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی و صفوه السقا، بی جا: مؤسسة الرسالة.
۲۸. مرزوقی اصفهانی، أحمد بن محمد (۱۴۲۴ ق)، شرح دیوان الحماسة، تحقیق: غرید شیخ، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم. قاهره: دار الحدیث.
۳۰. واقدی، محمد بن عمر (بی تا)، المغازی. بی جا: الأعلمی.
۳۱. یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی